



نواب خاص امام زمان (عج) چه ویژگی هایی داشتند؟

در دوران غیبت صغرا، حضرت ولی عصر (ع) از طریق کسانی که به آنها «نواب خاص» گفته می‌شد، با مردم در ارتباط بود و به وسیله نامه‌هایی که به «توقیع» مشهور است، پرسش‌های شیعیان را پاسخ می‌گفت.

در دوران غیبت صغرا، حضرت ولی عصر (ع) از طریق کسانی که به آنها «نواب خاص» گفته می‌شد، با مردم در ارتباط بود و به وسیله نامه‌هایی که به «توقیع» مشهور است، پرسش‌های شیعیان را پاسخ می‌گفت.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر بخشی از کتاب «معرفت امام زمان» اثر اسماعیل شفیعی سروستانی است که در ادامه می‌خوانید؛

غیبت صغرا

امام حسن عسکری (ع) در هشتم ربیع الاول سال ۲۶۰ ه. ق؛ یعنی در زمانی که حضرت مهدی (ع) پنج سال بیشتر نداشت، به دست معتمد، خلیفه عباسی به شهادت رسید و امام عصر (ع) بر پیکر پدر بزرگوار خویش نماز گزارد. [۱]

با شهادت امام حسن عسکری (ع)، دوران امامت امام عصر (ع) آغاز شد. بنا به گفته بسیاری از صاحب نظران، دوران غیبت کوتاه مدت آن امام که از آن به «غیبت صغرا» تعبیر می‌شود، از همین زمان؛ یعنی سال ۲۶۰ ه. ق آغاز گردید. برخی از اهل تحقیق برآنند که غیبت صغرا از همان زمان تولد حضرت؛ یعنی سال ۲۵۵ ه. ق آغاز شده است. [۲]

دوران غیبت صغرا تا سال ۳۲۹ ه. ق ادامه داشت که بدین ترتیب، بنا بر دیدگاه اول، طول این دوران، ۶۹ سال و بنا بر دیدگاه دوم، طول این دوران ۷۴ سال خواهد بود.

غیبت کبرا

از سال ۳۲۹ ه. ق به بعد، دوران دیگری از حیات امام عصر (ع) آغاز می‌شود که از آن به «غیبت کبرا» تعبیر می‌کنیم. این دوران همچنان ادامه دارد تا روزی که به خواست خدا، ابرهای غیبت به کناری رود و جهان از خورشید فروزان ولایت بهره مند شود.

در مورد دلیل تقسیم بندی این دو دوران باید گفت در دوران غیبت صغرا، حضرت ولی عصر (ع) از طریق کسانی که به آنها «نواب خاص» گفته می‌شد، با مردم در ارتباط بود و به وسیله نامه‌هایی که به «توقیع» [۳] مشهور است، پرسش‌های شیعیان را پاسخ می‌گفت. در دوران غیبت کبرا این نوع ارتباط قطع شده است و مردم برای دریافت پاسخ پرسش‌های دینی خود تنها می‌توانند به «نواب عام» امام عصر که همان فقیهان وارسته هستند، مراجعه کنند.

نواب خاص امام عصر

در طول دوران ۶۹ ساله یا ۷۴ ساله غیبت صغرا، چهار تن از بزرگان شیعه عهده دار مقام نیابت یا سفارت خاص امام عصر (ع) بودند که نام آنها بدین قرار است:

۱. ابوعمر و عثمان بن سعید عمّری (م ۲۶۵ ه. ق)؛

۲. ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمّری (م ۳۰۴/ ۳۰۵ ه. ق)؛

۳. ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (م ۳۲۶ ه. ق)؛

۴. ابوالحسن علی بن محمد سمّری (م ۳۲۹ ه. ق).

با توجه به اهمیتی که شناخت نواب چهارگانه در درک وضعیت دوران غیبت صغرا دارد، در اینجا با استفاده از کتاب الغیبة

شیخ طوسی و کتاب سیره معصومان نوشته عالم گران قدر شیعه، سید محسن امین به شرح حال این نواب می پردازیم:

الف) نایب اول، ابوعمر و عثمان بن سعید بن عمرو عَمری اسدی

شیخ طوسی (ره) در بخشی از کتاب خود به معرفی «سفرای ستایش شده در دوران غیبت» پرداخته است. وی در معرفی نخستین سفیر چنین می نویسد:

نخستین این سفیران کسی است که ابوالحسن علی بن محمد عسکری (امام هادی) و فرزندش ابومحمد حسن بن علی بن محمد (ع) او را به این مسئولیت منصوب کردند. او شیخ مورد اعتماد، ابوعمر و عثمان بن سعید عَمری بود. وی [در اصل] اسدی بود، ولی … او را به اعتبار جد [مادری] اش [ابوجعفر عَمری]، «عَمری» نامیدند. جمعی از شیعه هم گویند: ابومحمد حسن بن علی (امام عسکری) (ع) فرمود: نام «عثمان» و «ابوعمر و» در یک نفر جمع نمی شود، از این رو دستور داد که کنیه او شکسته شود و [از آن پس] به او «عَمری» گفته شد. همچنین به وی عسکری نیز گفته می شد؛ زیرا در منطقه نظامی سُرّ مَن رَا [سامرا] سکنی داشت. او را سَمّان (روغن فروش) نیز می خواندند؛ چون برای سرپوش نهادن بر کار اصلی خود، روغن خرید و فروش می کرد. هنگامی که شیعیان، آنچه از مال و ثروت خویش بر ایشان واجب بود، برای امام حسن عسکری (ع) می آوردند، ابوعمر و آنها را از روی تقیه و ترس در خیک های روغن می گذاشت و نزد امام می برد. [۴]

بنابراین، عثمان بن سعید ابتدا وکیل امام هادی (ع) و پس از آن وکیل امام حسن عسکری (ع) بود و پس از وفات امام یازدهم به عنوان سفیر حضرت مهدی (ع) انتخاب شد.

امام هادی (ع) درباره او می فرماید:

این ابوعمر و، مورد اعتماد و امین است. آنچه به شما می گوید، از جانب من می گوید و آنچه به شما می دهد، از جانب من می دهد. [۵]

امام حسن عسکری (ع) نیز پس از وفات پدرش، در حق او می گوید:

این ابوعمر و مورد وثوق و امین است. او محل اعتماد امام قبلی و مورد اعتماد من در زندگی و مرگ است. پس آنچه به شما گوید، از سوی من می گوید و آنچه به شما دهد، از جانب من می دهد. [۶]

عثمان بن سعید، همان کسی بود که هنگام غسل دادن پیکر پاک امام یازدهم حاضر بود و مأموریت داشت کار کفن و حنوط کردن و خاک سپاری آن امام را انجام دهد.

شیخ طوسی می نویسد:

توقیعات صاحب الامر (ع) به دست عثمان بن سعید و پسرش، محمد، به شیعیان و یاران خاص پدر آن حضرت می رسید. این توقیعات حاوی امر و نهی و پاسخ به مسائل و به همان خطی بود که در زمان امام حسن عسکری (ع) نوشته می شد. از این رو، شیعه همواره بر عدالت این پدر و پسر تأکید داشته است تا آنکه عثمان بن سعید دنیا را وداع گفت [۷] و پسرش وی را غسل داد و به خاک سپرد. [۸] قبر عثمان بن سعید در سمت غربی بغداد در خیابان میدان، در ابتدای محله ای معروف به درب جبله در سمت قبله مسجد درب، قرار دارد. [۹]

ب) نایب دوم، ابوجعفر محمد بن عثمان سعید عَمری

شیخ طوسی در کتاب الغیبة از هبه الله بن محمد از استادانش روایت کرده است که گفتند:

شیعه همواره عدالت عثمان بن سعید را قبول داشته و کار خود را پس از مرگ عثمان به پسرش ابوجعفر واگذارده است. شیعه بر عدالت و اعتماد و امانت ابوجعفر به خاطر نصّی که دال بر امانت و عدالت و فرمان به مراجعه به او در زمان حیات امام عسکری (ع) است، اجماع دارد. همچنین پس از آنکه امام حسن عسکری (ع) در زمان حیات عثمان بن سعید دنیا را بدرود گفت، باز هم در عدالت ابوجعفر اختلاف پدید نیامد و کسی در امانت داری وی به تردید نیفتاد. همچنین توقیع

هایی که درباره مسائل مهم شیعه بود، به دست وی نوشته می شد و به همان خطی بود که در زمان حیات پدرش، عثمان بن سعید، نگاشته می شد. [۱۰]

شیخ طوسی همچنین می افزاید:

چون ابوعمر و عثمان بن سعید درگذشت، فرزندش، ابوجعفر محمد بن عثمان، به نص ابومحمد حسن عسکری (ع) به جای پدر قرار گرفت و پدرش، عثمان در فرمانی، وی را به سفارت امام قائم (ع) تعیین کرد. [۱۱]

امام حسن عسکری (ع) درباره او فرموده است:

گواه باشید بر من که عثمان بن سعید عمری، وکیل من و فرزندش، محمد، وکیل فرزند من، مهدی شماسست. [۱۲]

نیز آن حضرت به یکی از اصحابش فرمود:

عمری و فرزندش مورد اعتمادند. پس هرچه به تو دادند، از جانب من داده اند و آنچه به تو گفته اند، از جانب من گفته اند. پس سخنان آن دو را بشنو و از آنان اطاعت کن که آن دو مورد اعتماد و امانت دارند. [۱۳]

از محمد بن عثمان روایت شده است که گفت:

به خدا سوگند، صاحب الامر هر سال در موسم حج حاضر می شود و مردم را می بیند و می شناسد. مردم نیز او را می بینند، ولی نمی شناسند. [۱۴]

همچنین در روایت آمده است که از وی پرسیدند: آیا صاحب الامر (ع) را دیده ای؟ گفت:

آری، آخرین باری که او را دیدم در کنار خانه خدا بود و می فرمود: «خداوند! وعده ات را برایم محقق کن». [۱۵]

وی در آخر جمادی الاولی سال ۳۰۴ یا ۳۰۵ ه. ق درگذشت. او حدود پنجاه سال سفارت امام زمان (ع) را عهده دار بود. [۱۶] وی را در کنار مادرش، در خیابان باب الکوفه در بغداد به خاک سپردند. [۱۷]

(ج) نایب سوم، ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بحر نوبختی

ابوجعفر محمد بن عثمان دو یا سه سال پیش از وفاتش، وی را به جانشینی خود انتخاب و معرفی کرد. او سران و بزرگان شیعه را گرد آورد و به آنان گفت:

اگر مرگ من فرا رسد، کار به دست ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی خواهد بود. به من فرمان داده شده است او را پس از خود به جای خویش قرار دهم. پس به او مراجعه و در کارهای خود بر او تکیه کنید. [۱۸]

در روایت دیگری آمده است که از محمد بن عثمان پرسیدند: «اگر برای تو مسئله ای پیش آمد، چه کسی جانشین تو خواهد بود؟» پاسخ داد:

این ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بحر نوبختی، جانشین من و سفیر میان شما و صاحب الامر (ع) است و وکیل او و مورد وثوق و امین است. پس در کارهای خود به او رجوع کنید و در مسائل مهم خویش به او تکیه کنید. من به معرفی او مأمور شده ام و اینک او را معرفی کردم. [۱۹]

شیخ طوسی درباره سومین نایب خاص می نویسد:

ابوالقاسم خدا او را رحمت کند در نظر مخالف و موافق خردمندترین مردمان بود و روش تقیه را به کار می بست. [۲۰]

ابوالقاسم حسین بن روح، در شعبان سال ۳۲۶ ه. ق درگذشت و در محله نوبختیه بغداد در نزدیکی دروازه ای که خانه علی بن احمد نوبختی در آنجا بود و به سمت دروازه دیگر و پل شوک می رفت، به خاک سپرده شد. [۲۱]

(د) نایب چهارم، ابوالحسن علی بن محمد سمری

شیخ طوسی درباره چهارمین نایب امام عصر (ع) می نویسد:

شیخ ابوالقاسم [حسین بن روح] به ابوالحسن علی بن محمد سمری وصیت کرد و او به همان کاری پرداخت که [پیش از آن] به ابوالقاسم سپرده شده بود. [۲۲]

او همچنین به سند خود از احمد بن ابراهیم بن مغلّذ نقل کرده است که گفت:

در بغداد، خدمت بزرگان شیعه رسیدم. پس شیخ ابوالحسن علی بن محمد سمری (ره) آغاز به سخن کرد و گفت: خداوند، علی بن حسین بن بابویه قمی (پدر شیخ صدوق) را رحمت کند. بزرگان تاریخ این روز را نگاشتند. پس خبر رسید که علی بن حسین در این روز وفات یافته است. [۲۳]

شیخ طوسی در همان کتاب به سند خود از ابومحمد حسن بن احمد مکتّب چنین نقل می کند:

در سالی که شیخ علی بن محمد سمری قدس الله روحه از دنیا رفت، در بغداد بودم. چند روز قبل از درگذشتن به خدمتش رسیدم. او توقیعی را برای مردم خارج ساخت که نسخه آن چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمُرِيُّ

أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سَيِّئَةِ أَيَّامٍ قَاجَمَعَ أَمْرَكَ وَ لَاتُوصِرْ إِلَى أَحَدٍ يَقُومُ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ، فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ الثَّانِيَّةُ [الثَّامَةُ] فَلَا ظُهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ ذَلِكَ بَعْدَ طَوْلِ الْأَمَدِ وَ قَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَ امْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا وَ سَيِّئَاتِي شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمُشَاهَدَةَ، أَلَا قَمَنْ ادَّعَى الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٍ، وَ لَاحَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

به نام خداوند بخشاینده مهربان

ای علی بن محمد سمری!

خداوند پاداش برادرانت را در مرگ تو بزرگ گرداند. تو تا شش روز دیگر می میری. پس کارت را سامان ده و به کسی به عنوان جانشین پس از خود، وصیت مکن که دیگر غیبت دوم [تامه] واقع شده است. دیگر ظهوری نیست مگر به اذن خداوند و آن پس از مدتی دراز و بعد از آنکه دل ها سخت شد و زمین از ستم پر شد، رخ خواهد داد. به زودی از شیعیانم کسانی خواهند آمد که ادعای دیدار مرا می کنند. آگاه باشید هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای دیدار مرا کرد، دروغگو و مفتری است. وَلَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

راوی گوید: از این توقیع نسخه برداری کردیم و از نزد او بیرون آمدیم و چون روز ششم فرا رسید، نزد علی بن محمد بازگشتیم و دیدیم نزدیک است جان بدهد. از او پرسش شد: چه کسی جانشین تو خواهد بود؟ گفت: خدا را امری است که خود، رساننده آن است و درگذشت. [۲۴]

علی بن محمد سمری در نیمه شعبان سال ۳۲۸ یا ۳۲۹ ه. ق درگذشت و پیکر وی در خیابان خلنجی در جنب باب محول نزدیک نهر ابوعتاب بغداد به خاک سپرده شد. [۲۵]

با وفات چهارمین نایب خاص امام عصر، دوران غیبت صغرا به سر آمد و شیعیان بیش از پیش از فیض وجود امام خود محروم شدند. باشد تا پرده های غیبت به کنار رود و جمال دل آرای حجت حق آشکار شود. [۲۶]

[۱]. ر. ک: سیره معصومان، ج ۶، ص ۲۵۹.

[۲]. همان، ص ۲۷۲.

[۳]. «توقیع» در لغت به معنای نشان گذاشتن، امضا کردن حاکم بر نامه و فرمان، جواب مختصر که کاتب در نوشته به پرسش ها می دهد، دست خط فرمان روا و نوشتن عبارتی ذیل مراسله آمده است. در اصطلاح علم حدیث، به معنای پاسخ پرسش ها یا اطلاعیه هایی است که به صورت کتبی از طرف امام برای آگاهی شیعیان فرستاده شده است. چنان که توقیعاتی از حضرت امام علی النقی و امام حسن عسکری ۸ نقل شده است. معمولاً توقیع به نامه های حضرت حجت بن الحسن امام زمان (ع)، گفته می شود که به وسیله چهار تن نایبان خاص ایشان در زمان غیبت صغرا به دست شیعیان می رسیده است. (ر. ک: محمدمهدی رکنی، نشانی از امام غایب (ع): بازنگری و تحلیل توقیعات، چاپ سوم: مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵، صص ۳ و ۴.

[۴]. کتاب الغیبة (طوسی)، ص ۲۱۴.

[۵]. همان، ص ۲۱۵.

[۶]. همان.

[۷]. سید محسن امین در کتاب سیره معصومان اظهار می دارد: «دست یابی به تاریخ وفات «عثمان بن سعید» برای ما میسر نشد».

[۸]. کتاب الغیبة، ص ۲۱۶.

[۹]. همان.

[۱۰]. همان، صص ۲۲۰ و ۲۲۱.

[۱۱]. همان، ص ۲۱۸.

[۱۲]. همان، ص ۲۱۶.

[۱۳]. همان، ص ۲۱۹.

[۱۴]. همان، ص ۲۲۱.

[۱۵]. همان، صص ۲۲۱ و ۲۲۲.

[۱۶]. این روایتی است که شیخ طوسی در کتاب الغیبة از ابونصر هبه الله بن محمد بن احمد کاتب نقل کرده است. پوشیده نیست که این مدت از زمان ولادت امام زمان (ع)؛ یعنی سال ۲۵۵ ه. ق تا هنگام وفات محمد بن عثمان در سال ۳۰۵ ه. ق بوده است. علاوه بر این، باید یادآور شد که محمد بن عثمان از هنگام ولادت امام زمان (ع)، عهده دار سفارت آن حضرت نبوده، بلکه وی پس از مرگ پدرش، عثمان، این مسئولیت را بر عهده گرفته است. باید از این پنجاه سال که شیخ طوسی ذکر کرده، پنج سال نخست زندگی امام قائم (ع) تا وفات امام عسکری (ع) و نیز مدت سفارت پدرش، عثمان را تا هنگام مرگش کم کرد. مدت باقی مانده همان مدتی است که محمد بن عثمان سفارت آن حضرت را به عهده داشته است.

[۱۷]. کتاب الغیبة، ص ۲۲۳.

[۱۸]. همان، ص ۲۲۶.

[۱۹]. همان، ص ۲۲۷.

[۲۰]. همان، ص ۲۲۶.

[۲۱]. همان، ص ۲۲۸.

[۲۲]. همان، ص ۲۴۲.

[۲۳]. همان.

[۲۴]. همان، صص ۲۴۲ و ۲۴۳.

[۲۵]. همان، ص ۲۴۳.

[۲۶]. برای مطالعه بیشتر در مورد تاریخ عصر غیبت و زندگی نواب خاص امام زمان (ع) ر. ک: سیره معصومان، صص ۲۲۷ و ۲۷۲؛ علی غفارزاده، پژوهشی پیرامون زندگانی نواب خاص امام زمان (ع)، چاپ اول: قم، نبوغ، ۱۳۷۵؛ جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (ع)، ترجمه: سید محمدتقی آیت اللهی، چاپ دوم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱؛ مسعود پورسیدآقای و دیگران، تاریخ عصر غیبت؛ نگاهی تحلیلی به عصر غیبت امام دوازدهم (ع)، چاپ دوم: قم، حضور، ۱۳۸۳؛ محمدرضا جباری، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه (ع)، چاپ اول: قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲، ج ۲، صص ۴۵۰ تا ۴۸۲.